



حسن ناهید هنرمندی نام‌آشنا برای دوستانان موسیقی اصیل ایرانی است. او یکی از هنرمندان پیشکسوت در این عرصه است. ناهید در سال ۱۳۲۲ به دنیا آمد و در دوره نوجوانی به شکل جدی به عرصه موسیقی قدم گذاشت و براساس گرایش شخصی‌اش نسبت به ساز نی، فعالیت در این حوزه را شروع کرد. او تا امروز نیم قرن فعالیت مستمر در این زمینه داشته و علاوه بر آن در کنار پرداخته و تا امروز هم و تدریس نیز پرداخته و تا امروز هم به‌رغم بیماری و مشکلات جسمانی که به دلیل کهولت سن برایش به وجود آمده، دست از آموزش نسل جوانی که تمایل دارند این ساز را یاد بگیرند برنداشته است. در روزهایی که این هنرمند پیشکسوت به لحاظ بیماری و ناتوانی از شرایط مناسبی برخوردار نبود، مجالی فراهم شد تا به گفت‌وگو با او درباره شرایط فعلی موسیقی بپردازیم، هرچند در میانه بحث، صحبت به دیگر مسائل در این حوزه نیز کشیده شد.



گفت وگو

حسن ناهید هنرمند پیشکسوت نی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» «اخلاق» مهم‌ترین مولفه موسیقی دانان نسل ما بود

در خلوت خود آثار هنرمندان دهه‌های گذشته را گوش می‌کنم



۱۱۱

در سال‌های اخیر برخی از هنرمندان به این مساله اشاره می‌کنند که از سازهای اصیل ایرانی مثل سنسنتو، قانون و... بیشتر در ارکسترها استفاده می‌شود که مایه خوشحالی است. در این زمینه جایگاه ساز نی در ارکسترها و اساسا گروه‌های موسیقی به چه شکل است؟

پاسخ دادن به این سوال نیازمند پیشینه‌ای است که باید درباره‌اش صحبت کنم، خاطرم هست در سال ۱۳۲۹ که به شکل جدی به عرصه موسیقی وارد شدم، فقط یک نوازنده نی در سراسر ایران فعالیت می‌کرد؛ آن هم زنده‌یاد استاد حسن کسایی بود. وقتی در دهه ۳۰ به رادیو رفتم با استاد حسین دهلوی آشنا شدم. زمانی که متوجه شد به نواختن ساز نی می‌پردازم، مرا به هنرستان موسیقی که خود در آن زمان مدیریت آن را به عهده داشت دعوت کرد و از من خواست نت یاد بگیرم. به هر حال با گذشت زمان توانستم علاوه بر مبانی که باید در زمینه نی می‌آموختم، به آموزش در هنرستان موسیقی هم بپردازم. در آن زمان، یکی دو نفر بودند که در هنرستان تمایل به نواختن این ساز داشتند ولی هرچه زمان گذشت تعداد هنرجویان در این زمینه افزایش یافت. طبیعتا امروز این تعداد اسلانه به شکل قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته و می‌بینم هر سال در بین فارغ التحصیلان رشته موسیقی، چند نوازنده نی هم به چشم می‌خورند.

چرا اغلب هنرمندانی که در حیطه ساز نی در گذشته فعالیت می‌کردند متعلق به شهر اصفهان بوده‌اند؟
بسیار خود من هم همیشه این سوال مطرح بوده است. شاید به این خاطر که به هر حال استادان اولیه این ساز، هنرمندان بزرگی چون نایب‌اسدا...، مهدی نوایی و... بودند و از همه مهم‌تر، حسن کسایی که به معنی واقعی سراسر تمام هنرمندان نی نواز در ایران به شمار می‌رفته و می‌رود.

در دهه‌ای که شما فعالیت در حوزه نی را شروع کردید ارکسترهایی در رادیو و تلویزیون پا گرفته بودند که به جذب هنرمند می‌پرداختند. اگر ممکن است درباره این ارکسترها و چگونگی ورودتان به آنها توضیح بدهید؟

در اوایل دهه ۴۰، استاد حسین دهلوی از من خواست به تالار فارابی بروم و به ارکستر بزرگی که متشکل از ۲۵ هنرمند برجسته بود بپیوندم. طبعاً از چنین دعوتی خوشحال شدم، ضمن اینکه در آن زمان هنوز هنرمندان افتاده‌ای نشده بودند و سن کم داشتم ولی با این حال، شرایطی فراهم شده بود تا در کنار هنرمندانی که به قولی در این مسیر استخوان خرد کرده بودند به اجرای برنامه بپردازم. در ارکستری که در تالار فارابی شکل گرفته بود، هنرمندانی چون هوشنگ ظریف، استاد حیدری و... فعالیت می‌کردند و رهبر ارکستر هم در آن زمان نصرت...، گلپایگانی بود. در بدو ورودم به ارکستر، نئی مقابلم گذاشتند و برای محک زدن نوازندگی‌ام، از من خواستند آن نت را بنزنم. وقتی نت را درست نواختم تعجب کردند؛ چرا که همان طور که پیش‌تر اشاره کردم، تا آن زمان به آن شکلی که باید نوازنده نی و اساسا ساز نی در ارکستر نباشد و اصلا این ساز به ارکسترها به شکل جدی در کنار سازهای دیگر راه نیافته بود. فقط یک نوازنده چیره‌دست در آن زمان وجود داشت که استاد کسایی بود؛ ولی در اصفهان زندگی می‌کرد و از پایتخت دور بود. خلاصه بعد از محک زدن، به عنوان سولیست در آن ارکستر و در کنار دیگر هنرمندان شروع به کار کردم. هم‌زمان با فعالیت در ارکستر تالار فارابی، پیشنهاد دیگری به من شد که در برنامه‌ای با عنوان «کاتال سه» که تازه در تلویزیون با محور موسیقی راه‌اندازی شده بود و هفته‌ای یک شب، ارکسترهای موجود در آن زمان در این برنامه، به اجرا می‌پرداختند هم فعالیت کنم. حضور من به عنوان نوازنده نی در ارکسترهایی که در آن زمان شکل گرفته بودند، باعث شد هم نوازندگان و هم مخاطبانی

گسترده‌ای از علاقه‌مندان را به خود جذب کند. زنده‌یاد خرم علاوه بر این ارکستر، بعدها آشنا شوند. در همان سال‌ها، در اداره هنرهای زیبا، ارکستری به رهبری نصرت... گلپایگانی راه‌اندازی شد ولی متأسفانه عمر همکاری من با ایشان در این ارکستر کم بود، چرا که او بعد از مدتی به دلیل ابتلا به گواتر درگذشت.

چطور با استاد روح... خالقی آشنا شدید؟
وقتی نصرت... گلپایگانی درگذشت و فعالیت در ارکستر اداره هنرهای زیبا ناتمام ماند، مهدی مفتاح که از هنرمندان خوش ذوق این عرصه بود مرا به ارکستری در رادیو معرفی کرد. نام این ارکستر «رویش» بود. آنجا با استاد خالقی آشنا شدم. آن زمان رسم بر این بود که شورای رادیو مشتمل بر هنرمندانی چون او از تازه‌واردها امتحان می‌گرفتند، وقتی در آن کشور از من امتحان گرفتم، در حضور هنرمندانی چون همایون شهرداد روح... خالقی، علی تجویدی، بدیع‌زاده و... به نواختن ساز پرداختیم و در امتحان آن شورا هم پذیرفته شدم. به خصوص اینکه در آن زمان با وجود سن کمی که داشتم، توانستم به انگشت گذاری درست روی ساز نی بپردازم و همین مساله استادانی چون خالقی را متعجب کرد و مرا مورد تحسین قرار داد. به این شکل که در آن زمان، دستمزد هر نوازنده در رادیو، جلسه‌ای ۷۰ تومان بود ولی استاد خالقی وقتی دید من به نوآوری در این ساز پرداخته‌ام، دستمزد مرا جلسه‌ای ۱۰۰ تومان مقرر کرد، یعنی در ماه ۱۰۰۰ تومان که آن زمان کلی پول بود و من واقعا نمی‌دانستم با این همه پول چه کار باید بکنم. چون جوانی بودم که از شهرستان آمده بودم و هنوز تشکیل خانواده هم ندهاده بودم، بنابراین نیمی از این پول را برای خانواده‌ام می‌فرستادم و باقی‌اش را واقعا نمی‌دانستم باید چطور صرف کنم. علاوه بر این، از اداره هنرهای زیبا هم حقوق می‌گرفتم. خلاصه شرایطم به لحاظ فعالیت در ارکسترها و اوضاع مالی مطلوب شده بود.

ممکن است یکی از دلایل اینکه شرایط موسیقی در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ درخشان بوده به این خاطر بود که همان تعداد رسانه‌هایی که مثل رادیو و بعدها تلویزیون شکل گرفته بودند به اجرای برنامه‌هایی از این دست بهای زیادی می‌دادند؟
حتما همین طور است، به هر حال هنرمند به تنهایی نمی‌تواند گوشه استودیو یا منزل خود بنشیند و قطعه‌ای را بنزد. طبعاً باید شرایطی فراهم شود تا آثار هنرمندان در معرض ظهور و بروز جامعه قرار بگیرد و در آن زمان چندان که اشاره کردید این مساله به لطف توجه و حمایت رادیو و تلویزیون توانست فراهم شود. به‌طوری که در آن سال‌ها من علاوه بر فعالیت‌های جانبی که در گروه‌های موسیقی انجام می‌دادم، در ۱۳ ارکستر هم به عنوان نوازنده فعالیت داشتم و از رهگذر فعالیت در این ارکسترها و کنسرت‌هایی که ترتیب داده می‌شد در مهم‌ترین فستیوال‌های جهان به اجرای برنامه می‌پرداختیم.

اگر اشتباه نکنم آموزش موسیقی و به‌طور مشخص ساز نی را از همان سال‌ها شروع کردید؟

همین طور است. کم کم که بسترهای لازم برای شناخت ساز نی در جامعه فراهم شد و ضرورت آموزش و انتقال آموزه‌های این عرصه هم به وجود آمد، شروع کردم به تدریس نی برای هنرجویان جوانی که نسبت به فراگیری این ساز مشتاق بودند. در کنار آن آموزشگاه‌های موسیقی یکی از دیگری تأسیس شدند و هنرمندانی که از فعالیت مستمر من در این عرصه مطلع بودند مثل کامبیز روشن‌روان، هوشنگ ظریف، سالار عقلی، محمد آذری و... از من خواستند به عنوان مدرس در آموزشگاه هایشان به تدریس بپردازم.



نمایی از مراسم بزرگداشت حسن ناهید در فرهنگسرای ارسباران

این رویه تا امروز هم ادامه دارد و هنوز هم بعد از گذشت نیم قرن مشغول تدریس و آموزش هستم و شاگردان زیادی هم در این مسیر تربیت کرده‌ام. منتها در سال‌های اخیر به دلیل بیماری‌ای که برایم پیش آمده، به توصیه پزشکان به ناچار از فعالیت‌هایم کاسته‌ام.

به‌طور کلی امروز فعالیت نوازندگان نی را چطور می‌بینید؟

خیلی خوب. می‌توان گفت نیروی انسانی متخصص و جوانی در این زمینه از دهه ۴۰ تا امروز شکل گرفته و ظرفیت گسترده‌ای از هنرمندان نی نواز را در عرصه موسیقی معاصر به وجود آورده است. همان طور که گفتیم در سال‌های پیش، فقط حسن کسایی و بعد از ایشان من و چند سال بعد از من محمد موسوی به عنوان نوازنده نی شناخته می‌شدیم ولی امروز این تعداد بسیار افزایش یافته و طبعاً بر تعداد نوازندگان نی اضافه شده است.

گرایش جوانان به نی در شرایط فعلی که اغلب جوانان دوست دارند به سمت فراگیری سازهایی چون جاز، کیبورد، گیتار و... بروند، چطور است؟ خوشبختانه در سال‌های اخیر شاهد این مساله بوده‌ایم که هنرجویان این ساز فقط به آموزشگاه‌های موسیقی محدود نشده‌اند، به‌طوری که در سال‌های اخیر که در دانشگاه هنر تدریس می‌کردم، دانشجویانی در این رشته داشته‌ام که تا مقطع کارشناسی ارشد هم این وادی را ادامه داده‌اند و پایان‌نامه‌های جامعی و کیفی هم از این رهگذر ارائه کرده‌اند. یکی از آنها شیدا قاضی است که توانسته علاوه بر فعالیت‌های علمی و کارشناسی شدن در زمینه‌ی به فعالیت عملی مطلوب هم بپردازد. با همین طور شاه‌وندیلی، محسن روستا و محسن بیگدلی که از شاگردان من بوده‌اند و امروز هر کدام تبدیل به هنرمندان مسلطی در این حیطه شده‌اند و خود به تربیت شاگردانی در این مسیر می‌پردازند. به خصوص اینکه امروز دیگر دندان سالنی هم ندارم ولی خوشحالم که تعداد زیادی نوازنده در زمینه‌ی تربیت کرده‌ام که می‌توانند این راه را ادامه بدهند و به قول معروف، صدای شیشه‌ای از نی دریاورند.

شمار در این گفت‌وگو به همکاری با هنرمندان سرشناس بسیاری اشاره کرده‌اید، از جمله روح... خالقی، ابوالحسن صبا، علی تجویدی و... فارغ از چیره‌دستی هر کدام از آنها در موسیقی، اگر بخواهید به پررنگ‌ترین مولفه استادان نسل گذشته موسیقی اشاره کنید چه می‌گویید؟
همه استادان گذشته که در برهه‌ای از زمان به ما درس موسیقی دادند و خوششان نام درخشانی بر تارک موسیقی معاصر باقی گذاشته‌اند به اخلاق پایبند بوده‌اند و توصیه جدی‌شان به هنرمندان این عرصه شادی را که قطعاً پایور ساخته‌بود در حوزه ساز نی نواخته‌ایم. من هم به عنوان نوازنده و مدرس این رشته در این نیم قرن فعالیت، هر آنچه از دستم برآمده انجام داده‌ام.

است و یک درصد هنر. این بارزترین مولفه هنرمندان آن زمان بود. به نظر من اگر آنها نواسته‌اند هنوز که هنوز است بعد از گذشت سال‌ها در این وادی ماندگار شوند، به خاطر حفظ همین ویژگی بوده است. حالا که بحث به اخلاق کشیده شد می‌خواهم در این مقال از دو هنرمند که سال‌ها در کنار آنها به فعالیت حرفه‌ای پرداخته‌ام و از اخلاق‌مداری‌شان درس‌ها آموخته‌ام یاد کنم. یکی از آنها زنده‌یاد فرامرز پایور بود و دیگری عبدالوهاب شهیدی. به خصوص عبدالوهاب شهیدی که نیم قرن است با او دوستی و همکاری دارم و در نظرم یکی از هنرمندان شریف و اخلاق‌است. البته همان طور که اشاره کردم تمام هنرمندان آن دوره از این ویژگی برخوردار بوده‌اند ولی از آنجایی که من بیش از سایرین با این دو هنرمند سال‌ها کار کرده‌ام خواستم در این گفت‌وگو نامی هم از آنها برده شود.

برخی به این مساله اشاره می‌کنند که ساز نی به دلیل مولفه‌هایی که دارد سازی غمناک و صدادی است که از این ساز می‌آید سوزناک است، به نظر شما تلقی‌های نادرست برخی نسبت به این ساز باعث کمرنگ شدن گرایش جوانان به نی نمی‌شود؟

اینکه برخی معتقدند که غمناک است، به ساز مربوط نمی‌شود، لابد نوازنده‌اش غمگین می‌نوازد (با خنده) و گرنه خاطر هم هست، در سال‌های گذشته، قطعات شادی را که استاد پایور ساخته‌بود در حوزه ساز نی نواخته‌ایم. می‌خواهم بگویم این مساله بستگی زیادی به نوع قطعه‌ای دارد که هنرمند برای نواختن انتخاب می‌کند. ولی در مجموع گرایش جوانان نسبت به نی در روز بروز در حال افزایش است. حتی در سال‌های گذشته، کمتر می‌دیدیم نوازنده زن در این عرصه فعالیت کند ولی امروز به جرات می‌توان گفت نیمی از هنرمندانی که در حیطه‌ی فعالیت زنان هستند و این مساله اتفاق خوشایندی است. من هم به عنوان نوازنده و مدرس این رشته در این نیم قرن فعالیت، هر آنچه از دستم برآمده انجام داده‌ام.

شمار در میانه گفت‌وگو به این مساله اشاره کرده‌اید که در دهه‌های گذشته با انگشت گذاری روی ساز نی به نوعی به نوآوری در این عرصه پرداخته‌اید، با این حال فکر می‌کنید امروز در شرایط فعلی چقدر می‌توان به حرکت‌های نو در این زمینه پرداخت؟
نی اساسا سازی است که از نظر ساختمانی ساده است؛ یک لوله با ۶ سوراخ. ولی آنچه مسلم است اینکه کدام هنرمند می‌تواند به نواختن این ساز بپردازد که از آن به قول معروف صدای خوش استخراج کند. درباره نوآوری هم که اشاره

شمار در میانه گفت‌وگو به این مساله اشاره کرده‌اید که در دهه‌های گذشته با انگشت گذاری روی ساز نی به نوعی به نوآوری در این عرصه پرداخته‌اید، با این حال فکر می‌کنید امروز در شرایط فعلی چقدر می‌توان به حرکت‌های نو در این زمینه پرداخت؟
نی اساسا سازی است که از نظر ساختمانی ساده است؛ یک لوله با ۶ سوراخ. ولی آنچه مسلم است اینکه کدام هنرمند می‌تواند به نواختن این ساز بپردازد که از آن به قول معروف صدای خوش استخراج کند. درباره نوآوری هم که اشاره



یکی از کنسرت‌های حسن ناهید در کنار دیگر نوازندگان

کردید باید بگویم این مساله در هر دوره‌ای صورت نمی‌گیرد و طبعاً بدعت و حرکت نو انجام دادن در یک شاخه هنری، نیازمند گذشت زمان و شرایط روزگار است. امیدوارم با حضور جوانانی که در این عرصه فعالیت می‌کنند بستر مناسبی برای این حرکت‌ها در نی به وجود بیاید.

در همان تعداد محدود ارکستری که در حال حاضر وجود دارند، شرایط نوازندگان از این منظر چطور است؟

به هر حال بنا به ضرورت و شرایطی که در هر کدام از ارکسترهای فعلی حاکم است، می‌توانند از قابلیت گسترده این ساز هم در کنار دیگر سازها بهره‌گیرند.

درباره خود شما چطور؟

در سال‌های اخیر با هنرمندان خوبی چون فرهاد فخرالدینی کار کرده‌ام که شاخص‌ترین آنها سریال «امام علی» (ع) بود یا همین طور در سریال «روزی روزگاری» به کارگردانی... احمد جو، نوازنده نی بودم، یا در اثر «سیرمغ» ساخته لوریس چکناواریان با او همکاری داشتم.

در ارکسترها این شرایط به چه شکل است؟
با ارکستری در سال‌های گذشته همکاری‌هایی داشتم که آن زمان فرهاد فخرالدینی رهبری ارکستر را عهده‌دار بود. ولی در مجموع آنچه شما در سوال اشاره کردید درست است، چرا که فقط داشتن ظرفیت گسترده در یک شاخه هنری کافی نیست، بلکه باید شرایطی فراهم شود تا از پتانسیل جوانی‌ای که دارند این عرصه استفاده شود تا بتوان از آنها در ارکسترها و گروه‌های موسیقی بهره‌ بیشتری گرفت.

نکته‌ای که همیشه برای من درباره شما جلب توجه بوده این است که شما در ابتدای ورود به عرصه موسیقی، نه تنها نت نمی‌دانستید و از دانستن ردیف بی‌اطلاع بودید بلکه موسیقی را به شکل گوتشی (بر اساس آنچه از رادیو یا صفحات گرام می‌شنیدید) می‌زدید. خاطرم هست در سال‌های گذشته که با هنرمندان چیره‌دست دیگری چون منصور نریمان و... گفت‌وگو می‌کردم آنها هم به این مساله اشاره می‌کردند و می‌گفتند آغاز فعالیت‌شان به این شکل بوده و بعدها فراگیری نت پرداخته‌اند؟

درست است. درباره خودم می‌توانم بگویم در نوجوانی موسیقی و اساسا ساز نی را به شکل گوششی می‌زدم. بعد با هنرمندی چون مهدی کاملیان آشنا شدم و به دنبال این آشنایی، او مرا با استادان دیگری چون نورعلی خان برومند، علی اصغر بهاری و... آشنا کرد و توانستم به فراگیری نت بپردازم. ولی آنچه در سوال شما به آن اشاره کردید درست است. من تا چندین سال، به خصوص زمانی که در زادگاهم بودم، به خاطر نبود امکانات نت نمی‌دانستم و بر اساس آنچه می‌شنیدم، ساز می‌زدم.

از این حرف‌ها که بگذریم. روزگار شما بعد از نیم قرن خدمات ارزنده در عرصه موسیقی چگونه می‌گذرد؟
خدا را شکر می‌کنم و ناراضی نیستم. در سال‌های اخیر به عضویت موسسه هنرمندان پیشکسوت درآمد‌ام که پرستی آن را عباس عظیمی به عهده دارد. او انسان بسیار زحمتکش و شریفی است و توانسته برای هنرمندان این عرصه که بالای ۶۰ سال دارند قدم‌های مثبتی بردارد. ماهی ۱۸۰ هزار تومان از این موسسه به هنرمندان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم هستم و بیمه‌ای هم از این رهگذر دارم. به‌طور کلی هیچ‌گاه در زندگی‌ام ناراضی نبوده‌ام و به نوعی زندگی را گذرانده‌ام. هرچنین در سال‌های اخیر، مدرک درجه یک هنری از وزارت ارشاد هم دریافت کرده‌ام. البته فقط یک نشان است و کارکرد دیگری برایم نداشته است.

چقدر آثار هنرمندان امروز را دنبال می‌کنید؟
بیشتر در سیر آثار گذشتگان هستم و در خلوت خود آثاری از هنرمندانی نظیر مرتضی‌محبوبی، همایون خرم و... را گوش می‌کنم، چون معتقدم اگر این هنرمندان در آن دهه‌ها به ساخت چنین آثار سترگ و ارزشمندی نمی‌پرداختند، پایه‌های موسیقی جدی، بعدها شکل نمی‌گرفت، به همین خاطر احساس می‌کنم ما از این منظر مهربان تلاش‌های آنها هستیم.

وضعیت آموزش در آموزشگاه‌های موسیقی را در شرایط فعلی چطور ارزیابی می‌کنید؟
خوشبختانه در سال‌های اخیر، تعداد آموزشگاه‌های موسیقی زیاد شده و به تبع آن شاهد گرایش خانواده‌ها هم هستیم که تمایل دارند فرزندانشان را به کلاس موسیقی بفرستند. گذشته از اینها در سال‌های اخیر می‌بینیم چقدر بر تعداد نوازندگان سازهایی چون تار و سه‌تار و دف افزوده شده است. من همه این مسائل را به فال نیک می‌گیرم و امیدوارم به روشنایی مضاعف چشم‌انداز موسیقی معاصر ما بینجامد.